

پیام مهم رهبر انقلاب به مناسبت تشییع آقای شهید ایران و تأکید ایشان بر مجازات قاتلان امام شهید و شهدای ۲ جنگ اخیر

انتقام حتمی است



گروه سیاسی: حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای در پیامی ضمن قدردانی صمیمانه از حضور ده‌ها میلیونی مردم ایران و عراق در مراسم تشییع «آقای شهید ایران»، خطاب به امام شهید امت تأکید کردند: عهد می‌بندیم انتقام خون پاک شما و همه شهیدان این ۲ جنگ را از قاتلان جنایتکار و بی‌آبرو بگیریم. این انتقام، خواست ملت ما است و به طور حتم باید صورت بگیرد. این جنایتکاران که فهرستی از صدر تا ذیل شان موجود است، آرزوی مرگی آرام و در بستر را با خود به گور خواهند برد.

به گزارش دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله‌العظمی خامنه‌ای، متن پیام رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

السَّلامُ علیک یا ثارِاللهِ وَاِبْنِ ثارهٔ وَالْوَرَّةِ الْمَوْتورِ، السَّلامُ عَلَیکَ وَ عَلٰی جَدِّکَ وَ اَبِیکَ وَ اُمِّکَ وَ اَخِیکَ وَ الْمُعصومِینَ مِنْ وَلَدِکَ سلام بر امامی که ندای حیات‌بخش قیامش، پژواکی عظیم و پرطنین از بعثت نبوی را تا اعماق دوردست تاریخ امتداد بخشید و از اثر آن، انقلاب اسلامی ایران پدید آمد؛ انقلابی که از اساس حسینی بود و با شعار و مرام حسین ساخته شد و بالید. آقای شهید ایران هم با همین مرام رشد کرد. او حسینی بود، حسینی اندیشید، حسینی حرکت کرد، حسینی جهاد و مقاومت نمود، حسینی زیست و حسینی خون خود را در راه مکتب حسین تقدیم کرد و به شهادت رسید.

در زمره حسینیان، کسانی هستند که وقتی در راه حسین و برای مکتب و مرام حسین علیه‌السلام، خون‌شان مظلومانه بر زمین می‌ریزد، امت اسلام به حرکت درمی‌آید و آن زمان، به عاشورا و آن مکان، به کربلا متصل می‌شود. حال هم همان شور حسینی، ملت ما را بعثت بخشیده و مکتب «حسینی کبیر» و «خامنه‌ای شهید» را جلوه‌ای تازه داده است. این است آن غوغای حیات‌بخشی که انعکاس ندای مظلومیت حسین علیه‌السلام و ندای هَلْ مِنْ ناصر یَنْصُرُنِیْ او در ایران و پس از آن در عراق و سایر کشورها به پا می‌کند و زلزله در باطل می‌اندازد. جا دارد به همین مناسبت از حضور ده‌ها میلیونی، اعجاب‌انگیز، دشمن‌شکنی و تاریخی مردم در شهرها و روستاهای ایران و عراق خصوصا تهران، قم، نجف، کربلا و

مشهد صمیمانه قدردانی کنم.

ملت ما خونخواه حسین است. این ملت بزرگ سال‌ها فرزندان خود را در راه حسین و در جنگ با دشمنان حسین و مرام حسینی فدا کرد و اینک هم خونخواه او و حسینیان زمان است.

اکنون به پیشوای شهیدمان عرض می‌کنم:ای قاتلِ مظلوم! ای مظلوم سرفراز! ای بنده صالح خدا! حال که با چشمان اشکبار و دل‌های شکسته با پیکر شما وداع می‌کنیم، با شما

عهد می‌بندیم مکتب‌شمارا پاس بداریم و آن طریق مستقیمی را که شما ترسیم کردید، با استقامت پییماییم و در این راه از سختی‌ها نهراسیم و همچون شما به بشارت و وعده‌های الهی دل ببندیم. عهد می‌بندیم انتقام خون پاک شما و همه شهیدان این ۲ جنگ را از قاتلان جنایتکار و بی‌آبرو بگیریم. این انتقام، خواست ملت ما است و به طور حتم باید صورت بگیرد. این جنایتکاران که فهرستی از صدر تا ذیل‌شان موجود است، آرزوی مرگی آرام و در بستر را با خود به گور خواهند

حجت‌الاسلام مهدی طائب در گفت‌وگو با «وطن امروز» از ابعاد خونخواهی امام شهید می‌گوید

از خونخواهی تا ظهور

که در برابر حرکت بقیه‌الله‌الاعظم(عج) ایجاد شده است. در یک کلام، همان‌گونه که امام راحل فرمودند، انتقام واقعی آن است که منز متفکر این استکبار، یعنی رژیم صهیونی نباود شود.
■ **هر چه به قله نزدیک‌تر می‌شویم، مسیر دشوار تر می‌شود**
حجت‌الاسلام طائب در ادامه با اشاره به شرایط کنونی جبهه مقاومت اظهار کرد: «همه باید توجه داشته باشند هر مقدار به نابودی دشمنان نزدیک‌تر می‌شویم، در واقع به قله نزدیک‌تر شده‌ایم و همان‌گونه که یک کوهنورد هر چه به قله نزدیک‌تر می‌شود، حرکت برای او دشوار تر و طاقت‌فرساست می‌شود، مسیر ما نیز دشوار تر خواهد شد.»

وی افزود: «امروز اگر سختی‌های ناشی از این حرکت را در جامعه خود انکار کنیم، در واقع چشم‌های خود را بسته‌ایم. مردم ما با سختی‌ها دست و پنجه نرم می‌کنند اما همچنان در میدان ایستاده‌اند و خم به آبرو نمی‌آورند. این حضور باید تا نابودی اسرائیل استمرار یابد.»

رئیس شورای قرارگاه راهبردی عمار تأکید کرد: «من صرفاً در چارچوب فرمایشات حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای سخن می‌گویم. ایشان فرموده‌اند میادین را حفظ کنید؛ تا زمانی که دستور دیگری صادر نشده و معنای آن این است که جبهه، جبهه میدان است و این میادین باید پر نگه داشته شود.»

وی با اشاره به رفتارهای متناقض دشمن گفت: «امروز مشاهده می‌کنیم دشمن، در عین آنکه توافقتنامه امضا می‌کند، با تمام وجود احساس می‌کند حتی اجرای همان توافق نیز به نابودی او منجر خواهد شد و به همین دلیل، به نقض آن رو می‌آورد.»

حجت‌الاسلام طائب ادامه داد: «در واقع، حضور مردم در میدان، دشمن را در یک دوراهی قرار داده است؛ اگر به توافق عمل کند، نابود می‌شود و اگر آن را نقض کند نیز باز به سمت نابودی حرکت خواهد کرد. علت این مساله آن است که مردم مبعوث در میدان، دارای عقبه‌ای در خط مقدم هستند؛ نیروهای

وعده الهی مبنی بر حاکمیت دین در سراسر زمینند». وی با تأکید بر نقش مردم در تحقق این وعده الهی تصریح کرد: «اگر ظهور هنوز محقق نشده، به این دلیل است که نصرت مردمی به صورت کامل شکل نگرفته است.

این نصرت، به تدریج در حال شکل‌گیری بود تا به انقلاب اسلامی ایران رسید. دشمن نیز این حقیقت را به‌خوبی فهمید و به مقابله با آن برخاست؛ به این تصور که اگر پایه‌های این حرکت را تضعیف کند، در نهایت می‌تواند ستون اصلی را نیز فروبریزد.»

حجت‌الاسلام طائب افزود: «دشمن در حقیقت با هدف خواباندن این خیمه، رهبر عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی را به شهادت رساند تا مسیر تحقق وعده الهی متوقف شود. اما اگر قرار است هدف دشمن محقق نشود، تنها راه این است که مردم مبعوث شوند، به میدان بیایند و پرچمی را که با شهادت امام بزرگوار بر زمین افتاده، بر دوش گیرند، نه اینکه منتظر باشند یک نفر به تنهایی آن را حمل کند.»

وی تأکید کرد: «همه باید به میدان بیایند، جانشین ایشان را در خط مقدم خود قرار دهند و علیه دشمنی که او را به شهادت رساند، قیام کنند. اگر این اتفاق رخ دهد، آن هدف تعریف‌شده برای این مردم مبعوث، یعنی رسیدن به قله و تحقق وعده الهی، قابل انتظار خواهد بود.»

■ **خونخواهی: فراتر از انتقام فردی**

رئیس شورای قرارگاه راهبردی عمار با تأکید بر اینکه نباید مفهوم خونخواهی را به انتقام‌های فردی تقلیل داد، بیان کرد: «انتقام خون رهبر شهید انقلاب اسلامی، نه به معنای کشته شدن ترامپ است، نه به معنای کشته شدن نتانیاهو و نه افراد دیگر؛ اینها در بهترین حالت، کوچک‌ترین اجزای انتقام محسوب می‌شوند.»

وی ادامه داد: «انتقام واقعی، شکستن قدرت‌استکباری آمریکا، جمع شدن نیروی نظامی آن و از میان رفتن ساختاری است



خونخواهی در منظومه فکری انقلاب اسلامی، صرفاً به معنای انتقام‌جویی از اشخاص یا پاسخ به یک جنایت تاریخی نیست، بلکه در پیوند با مفاهیمی چون استمرار خط‌هدایت، تحقق وعده‌های الهی و نقش‌آفرینی در گفت‌وگو با «وطن امروز» با تبیین ابعاد مختلف این مساله، بر نقش تعیین‌کننده مردم و محور مقاومت در تحقق خونخواهی حضرت آیت‌الله‌العظمی شهید سیدعلی خامنه‌ای قدس سره‌الشریف تأکید و آن را در چارچوب تحقق وعده نهایی الهی تحلیل کرد.

■ **خونخواهی؛ پروژهای برای تحقق وعده الهی**

حجت‌الاسلام والمسلمین طائب با اشاره به آیه شریفه «إِنَّمَا مِنَ الْمُجْرِمِینَ مُتَّفِقُونَ» اظهار کرد: «انتقام خون اولیای الهی، به معنای به میدان آمدن و از میان برداشتن کسانی است که برای بستن راه خدا و خاموش کردن مسیر هدایت، اولیای الهی را به شهادت رسانده‌اند. بنابراین اگر قرار است خط هدایت استمرار پیدا کند و وعده الهی مبنی بر استقرار دین در سراسر عالم تحقق یابد، تنها راه آن حضور مردم در میدان و برداشتن مواجع از مسیر است.»

رئیس شورای قرارگاه راهبردی عمار ادامه داد: «این مواجع همان کسانی هستند که در طول تاریخ، اولیای الهی را به شهادت رسانده‌اند. امروز نیز ولی‌الله الاعظم حضرت بقیه‌الله(عج)، آخرین ولی الهی هستند؛ بقیه‌الله یعنی خداوند متعال سلسله‌ای از انبیا و اولیا را فرستاد و آخرین ولی او، امام زمانند که مأمور تحقق



تاریخ ملت‌ها، بیش از آنکه با فراز و فرود دولتها روایت شود، با میراث مردانی ماندگار می‌شود که در بزنگاه‌های سرنوشت‌ساز، مصالح بلندمدت یک ملت را بر ملاحظات زودگذر سیاسی ترجیح داده‌اند.

ارزش حقیقی چنین شخصیت‌هایی نه در غوغای روزگار حیات آنان، بلکه در گذر زمان و هنگامی آشکار می‌شود که نسل‌های بعد، آثار تصمیم‌های راهبردی آنان را در امنیت، اقتدار و ثبات کشور مشاهده می‌کنند. اگر قرار باشد مهم‌ترین یادگار امام شهید انقلاب اسلامی را از منظر حقوق عمومی، فلسفه حکمرانی و منافع ملی در یک عبارت خلاصه کنیم، شاید هیچ توصیفی گویاتر از این نباشد که ایشان «شهید استقلال و تمامیت ارضی ایران» هستند؛ شخصیتی که بزرگ‌ترین دغدغه‌شان، صیانت از حاکمیت ملی و جلوگیری از هرگونه خدشه به استقلال کشور بود و این اصل را نه در قالب شعار، بلکه در متن تصمیم‌سازی و اداره کشور متجلی کردند.

در ادبیات حقوق عمومی، استقلال صرفاً یک مفهوم سیاسی یا یک احساس میهن‌دوستانه نیست، بلکه بنیاد شخصیت حقوقی دولت و لازمه تحقق حاکمیت ملی به شمار می‌آید. تا زمانی که اراده یک ملت در تعیین سرنوشت خویش آزاد نباشد،

نظامی آماده اقدامند و هر جا کوچک‌ترین تخطی مشاهده کنند، واکنش نشان می‌دهند.»

■ **حزب‌الله: الگوی مقاومت و آغاز مرحله جدید**

رئیس شورای قرارگاه راهبردی عمار با اشاره به تحولات لبنان و نقش حزب‌الله عنوان کرد: «مردم ما باید بداندن سختی‌هایی که متحمل می‌شوند، در مقایسه با سختی‌هایی که حزب‌الله لبنان متحمل شده، ناچیز است. با این حال، حزب‌الله در بالاترین سطح ممکن مقاومت کرده است.»

وی افزود: «فشارهای موجود، موجب آشکار شدن نقای پنهان در ساختار سیاسی لبنان شده است. تا پیش از این، جریان‌های سیاسی لبنان خود را مدافع این کشور معرفی می‌کردند اما شدت فشار حزب‌الله بر رژیم اشغالگر باعث شد این نقای آشکار شود؛ تا جایی که دولت لبنان بر خلاف قانون اساسی این کشور، وارد مذاکره با رژیم صهیونیستی شد.» حجت‌الاسلام طائب خاطر نشان کرد: «این اتفاق، موجب‌ظهور لایه جدیدی از مقاومت در حزب‌الله شده، به گونه‌ای که امروز سخن از مواجهه با دولت خائن نیز مطرح می‌شود. این موضوع، مرحله جدیدی را پیش روی حزب‌الله قرار داده و طبیعتاً پشتیبانان آن، از جمله ما را نیز به یاری خداوند وارد مرحله‌ای جدید خواهد کرد.»

■ **مذاکره؛ تربیون افشای دشمن، نه جایگزین مقاومت**

رئیس شورای قرارگاه راهبردی عمار با تأکید بر اینکه میان مذاکره و خونخواهی هیچ تعارض ذاتی وجود ندارد، ادامه داد: «اگر به سیره اهل‌بیت(ع) رجوع کنیم، مشاهده می‌کنیم پس از حماسه عاشورا نیز مسیر مطالبه‌گری و خونخواهی متوقف نشد. پس از قیام و ایثار حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع)، این مسیر در جبهه‌ای دیگر و با روش‌های متناسب با شرایط ادامه یافت. اگر فریاد حق‌طلبی به گوش جهانیان نرسد، در حقیقت، جبهه حق در عرصه افکار عمومی دچار شکست خواهد شد.»

وی افزود: «اید مذاکره را به ابزاری برای رساندن همین فریاد تبدیل کرد؛ به این معنا که مذاکره در عرصه جهانی، این پیام را

منتقل کند که منشأ جنگ، ناهنجی و ویرانی در جهان، جمهوری اسلامی، حزب‌الله یا مردم غزه نیستند، بلکه طرف مقابل است که در عین ادعای صلح و توقف درگیری، به محض فراهم شدن

فرصت، بار دیگر مسیر تجاوز و حمله را در پیش می‌گیرد.» حجت‌الاسلام طائب با اشاره به تأثیر رفتارهای دشمن بر افکار عمومی تصریح کرد: «این واقعیت، نه‌تنها در افکار عمومی جهان، بلکه در داخل کشور نیز آثار خود را نشان داده است. چه‌بسا افرادی که تا پیش از شهادت رهبر انقلاب، تصور می‌کردند آمریکا می‌تواند برای ایران نقش مثبتی ایفا کند، امروز با مشاهده این رفتارها، در حال بازنگری و بیدار شدن نسبت به ماهیت واقعی دشمن هستند.» وی تأکید کرد: «از این رو، هیچ منافاتی میان مذاکره و استمرار مبارزه با آمریکا وجود ندارد. البته اگر روزی مذاکره به عاملی برای توقف یا کندی در مسیر مقاومت تبدیل شود، آنکه با یک خطر جدی مواجه خواهیم شد؛ مشابه برخی رویکردها و شعارهایی که در مقطعی از گذشته مطرح می‌شد.» رئیس شورای قرارگاه راهبردی عمار خاطر نشان کرد: «آنچه امروز از مجموعه تحولات مشاهده می‌شود، این است که خروجی این روند، بیداری بیشتر افکار عمومی در جهان است، چرا که اگر اعتماد به طرف مقابل وجود داشت، به طور طبیعی باید شاهد محدود شدن میدان عمل نیروهای مسلح می‌بودیم. در حالی که می‌بینیم به محض هرگونه تخطی از سوی آمریکا، دست نیروهای مسلح برای واکنش باز است.»

حجت‌الاسلام والمسلمین طائب در پایان با ابراز امیدواری نسبت به مسیر مذاکرات تصریح کرد: «امیدواریم مسؤولان مذاکره‌کننده کشور، تحت تأثیر القائلات و وسوسه‌های دشمنان قرار نگیرند و همین مسیر را ادامه دهند؛ مسیری که بر پایه اقتدار، اعتماد به توان داخلی و حفظ قدرت مقاومت استوار است. در عین حال، مذاکره می‌تواند به افزایش همراهی ملت‌ها و افکار عمومی جهان، همچنین افکار عمومی داخلی با جبهه مقاومت کمک کند.»

از حاکمیت ملی و جلوگیری از هرگونه وابستگی ساختاری به قدرت‌های خارجی تجلی یافت. این میراث، نه متعلق به یک جریان سیاسی است و نه محدود به یک نسل، بلکه سرمایه‌ای ملی و امانتی تاریخی برای همه ایرانیانی است که باور دارند اقتدار یک کشور، پیش از آنکه به وسعت سرزمین یا حجم امکاناتش وابسته باشد، به استقلال اراده و آزادی تصمیم‌گیری آن بستگی دارد.

شاید گذر زمان، ابعاد بسیاری از تصمیم‌های بزرگ را روشن‌تر کند اما یک حقیقت از هم‌اکنون آشکار است: رهبر شهید انقلاب اسلامی، بیش از آنکه با جایگاه سیاسی‌شان شناخته شوند، با میراثی شناخته خواهند شد که برای ایران به یادگار گذاشتند؛ میراث صیانت از استقلال، پاسداری از تمامیت ارضی و دفاع از حاکمیت ملی. این همان سرمایه‌ای است که اگر روزی خدشدهار شود، بازسازی آن آسان نخواهد بود و اگر محفوظ بماند، می‌تواند پشتوانه عزت، امنیت و پیشرفت نسل‌های آینده این سرزمین باشد. از همین رو، اگر تاریخ بخواهد برای معظم‌له لقبی برگزیند که عصاره همه سال‌های مجاهدت و مسؤولیت‌شان باشد، بی‌تردید شایسته‌ترین عنوان، «شهید استقلال و تمامیت ارضی ایران» خواهد بود؛ عنوانی که نه یک تعارف سیاسی، بلکه توصیفی حقوقی، تاریخی و برخاسته از ماهیت میراثی است که ایشان برای ایران بر جا گذاشتند.

گاه دهه‌ها و حتی سده‌ها برای بازایی آن هزینه پرداخته‌اند و چه بسیار خون‌ها که در این راه بر زمین ریخته شده است. از همین رو، استقلال یک میراث مصرف‌شدنی نیست، امانتی است که هر نسل باید با تدبیر، شجاعت و آینده‌نگری از آن پاسداری کرده و سالم به نسل‌های پس از خود بسپارد. این حقیقت، زمانی ژرف‌تر درک می‌شود که بدانیم امنیت، توسعه، عدالت، پیشرفت و حتی رفاه عمومی، بدون استقلال و آزادی اراده ملی، بر بنیانی سست استوار خواهد بود.

ملت‌ها نیز رهبران ماندگار خود را به شمار توافقتنامه‌ها، سفرهای خارجی یا دستاوردهای مقطعی، بلکه با میزان پاسداری آنان از عزت ملی، استقلال کشور و آزادی تصمیم‌گیری به یاد می‌آورند. تاریخ بیش از آنکه حافظ جزئیات رخداد‌های سیاسی باشد، حافظ نام کسانی است که اجازه ندادند سرنوشت ملت‌شان در بیرون از مرزهای وطن رقم بخورد.

آنان که استقلال را پاس داشتند، در حقیقت از هویت تاریخی، فرهنگ ملی و کرامت مردم خویش نیز صیانت کردند. اگر بخواهیم از منظر حقوق اساسی و منافع راهبردی، ماندگارترین یادگار قائد شهید انقلاب اسلامی را برشماریم، باید از میراثی سخن بگوییم که فراتر از یک دوره سیاسی، ضامن استمرار ایران مقتدر است؛ میراثی که در پاسداری از استقلال ملی، حفظ تمامیت ارضی، تقویت خودانکایی راهبردی، صیانت